

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۳ دسمبر ۲۰۲۲

## درگیری های جدید در سپین بولدک!؟

(۲)

دوشنبه-۲۱ قوس ۱۴۰۱ - کابل: در قسمت قبل به این نکته اشاره نمودیم که یکی از علل درگیری در تمام مرزهای افغانستان به خصوص مرزهای مشترک با پاکستان و ایران، ریشه در تعیین سرحدات به صورت غیر عادلانه که منجر به تقسیم خانواده ها به دوکشور شده و از طرف آنها هیچ گاهی پذیرفته نشده، می باشد. در این قسمت خواهیم کوشید تا به صورت مختصر، اهداف دولت پاکستان را از ایجاد چنین درگیری هائی مورد نظر قراردهم:

یکی از اساسی ترین علل بروز درگیریها در نوار مرزی با پاکستان، استفاده رذیلانه و محیلانه نظامیان پاکستان، از ایجاد درگیری های نظامی به اشکال مختلف، رسیدن به اهداف مشخص سیاسی می باشد. دولت پاکستان درگیری های مرزی بین نظامیان خودش و سربازان این طرف مرز را دقیقاً بعد از خروج سربازان شوروی متوفا از افغانستان آغاز و با سقوط حاکمیت پوشالی و دست نشانده باندهای خلق و پرچم و فرار نیمه کاره مفتضحانه جلال خاد "داکتر نجیب"، حدت و شدت بخشید.

تجربه ثابت نموده است که دولت پاکستان، هرزمانی که خواسته است دست آورد جدیدی در عرصه سیاسی و اقتصادی برای خود تثبیت نماید و حاکمیت های پوشالی مستقر در افغانستان را وادار به عقب نشینی نماید، قبل از اعزام یک هیأت نمایندگی برای طرح خواستههایش، نخست مناطقی از افغانستان را با توپخانه و راکت به قدر کافی ویران و شخم زده است. بعد از گلوله باران و راکت باران منطقه، خلاف عرف معمول نظامی که جهت اشغال آن منطقه ضربت خورده و ویران، سربازان پیاده اش را می فرستد، پاکستان هیأت های اقتصادی و یا سیاسی اش را به عوض و در نقش پیاده نظام ارتشی به افغانستان فرستاده است تا در پناه و برخورداری از حمایت نیروهای نظامی آن کشور و نقش ستون پنجمش، طرف افغانستان را وادار به عقب نشینی های سیاسی مجدد نماید.

به صورت مثال می شود یکی دو مشکل کنونی را مشخص ساخت:

\*- پاکستان در ۲۰ سال گذشته تلاش نمود تا بادست درازی در امور داخلی اقوام پشتون، ضمن آن که ملا عمر را به صورت مرموز از بین برد، ملا منصور را به دم تیغ باداران امریکائی اش برابر نمود و غنی برادر و تعداد دیگری از سران درانی حرکت طالبان را زندانی ساخت، دست عطوفت بر سر برادران حقانی و شبکه آنها کشیده، از طریق حمایت مستقیم گسترده از آنها برای شان موقف و جایگاهی در ترکیب درونی طالبان به دست آورد. آنها امیدوار بودند

که با فراری ساختن "غنی احمدزی" و باندش و انتقال قدرت حاکمیت پوشالی مستمراتی به "شبکه حقانی"، کنترل کامل افغانستان را به دست بگیرند، امری که در روز ها و هفته های نخستین انتقال قدرت به طالب، واضح و آشکار دیده می شد. به مرور با گذشت زمان و قدرت گیری مجدد جناح درانی و کنار گذاشتن افراد شبکه حقانی، دولت پاکستان به نحوی خود را بازنده احساس می نماید. در نتیجه قبل از آن که بحث در این زمینه را با حاکمیت پوشالی کنونی طالب و نظام ملاسالار به صورت جدی آغاز نماید، نخست درگیری نظامی را به وجود می آورد تا طرف افغان را آماده پذیرش خواستههایش بسازد؛

\*- پاکستان می خواهد که سیاست خارجی حاکمیت پوشالی مستقر در کابل را خود و به نفع خود تعیین نماید، مثلاً در مورد هندوستان رنگ آنها را در افغانستان نبیند، مگر وقتی حاکمیت های پوشالی در گذشته و حال روی نیازمندی های خودشان در صدد تماس با هند می افتند و یا می خواهند با آنها روابط گرمتر و نزدیکتری داشته باشند، دولت پاکستان قبل از آغاز بحث در مورد سیاست خارجی حاکمیت افغانستان، نخست با توپ و راکت، بستر تسلیم حاکمیت ها را برای خودش مساعد می سازد؛

\*- وقتی حاکمیت های پوشالی و ناتوان در افغانستان روی هر دلیلی که عمدتاً مشکلات تخنیکی می باشد نمی تواند حرکت آزاد و لگام گسیخته لاری های پاکستان را تضمین نماید و مقداری به میوه جات و سبزیجات تازه آنها که قصد رسیدن به بازار های کشورهای شمال افغانستان در آسیای میانه را دارند، آسیب برسد، پاکستان به جای بحث در مورد مشکل اقتصادی و یافتن راه حل مناسب برای آن نخست میدان را با گلوله باران و تجاوزات نظامی آماده می سازد؛

\*- وقتی پاکستان خواسته باشد فراریان پاکستان و مخالفان مسلح آن کشور را از حاکمیت پوشالی افغانستان تسلیم بگیرد و یا حاکمیت پوشالی افغانستان را وادار سازد تا از حمایت آنها دست بردارد، قبل از اعزام هیأت، نخست بخش هایی از افغانستان را بمباران می نماید.

هموطنان گرامی!

تجارب سالهای گذشته نشان می دهد که در تمام حالات، تجاوز از جانب دولت پاکستان آغاز یافته و حاکمیت های پوشالی علی رغم "بیگناهی" معذرت خواسته و گذشت نموده اند. اینک وقتی بعد از ۳۰ سال سکوت و حوصله، نیروهای مستقر در مرزهای کشور که عمدتاً فرزندان همان مناطق اند و خاطرات بدی از دخالت های دولت های پاکستان در طول اینهمه سال دارند، می بینند که پاکستان باز هم می خواهد زور بگوید و کشور ما را گلوله باران کند، سکوت را جایز ندانسته، جواب بالمثل داده پاسخ گلوله را با گلوله می دهند.

گذشته بارها صحت این ضرب المثل کابلی را که می گوید "جواب بی پیر را بی مذهب می دهد" بار ها به اثبات رسانیده است. حال که دولت پاکستان می خواهد مقام "بدترین همسایه" را در سطح جهان برای خودش باز هم تثبیت نماید، دست افراد بومی طالب درد نکند که جواب گلوله را با گلوله می دهند، منتها باید متوجه باشند که خلاف خودشان که برخوردار از عرق ملی اند، رهبران شان تا مغز استخوان نوکر پاکستان بوده با چیزی به نام عرق ملی آشنائی ندارند و هر لحظه ممکن است آنها را دست بسته به پاکستان تسلیم نمایند. از همین رو می توان حکم نمود که تنها راه ایجاد آرامش در مرزها، در قدم اول نابودی حاکمیت های پوشالی و وابسته می باشد. یعنی برای کوتاه ساختن دست پاکستان، نخست می باید طالب و طالبیسم را به مثابه نماد وابستگی و انقیاد از میان برداریم.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**